

## نگاهی بر تاریخچه پوشاک و لباس هندی از گذشته تا دوران معاصر

علی محمودی عالمی<sup>۱</sup>، الهام رجب پور<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه هنر، دانشگاه غیرانتفاعی مارلیک، نوشهر، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه طراحی پوشاک، دانشگاه غیرانتفاعی مارلیک، نوشهر، مازندران، ایران.

### چکیده

پوشاک فقط برای پوشاندن بدن و آراستن آن نیست، پوشاک همچنین ترکیب یک واسطه مهم غیرزبانی را برای ارتباطات تشکیل می‌دهند و کمک می‌کنند که هویت فرهنگی یک شخص بنا شود که شامل منشاء آن شخص یعنی تعلق او به کشور یا جامعه‌ای خاص در هر دوره تاریخی است. لباس به فهمیدن و دریافتن گرایش‌های رایج در یک دوره خاص تاریخی کمک می‌کند. چندین عامل جغرافیایی، تاریخی، دینی و فرهنگی نقشی اساسی در تعیین طبیعت پوشاک نواحی مختلف بازی می‌کند. همانطور که مواد خام در دسترس و مهارت‌های تکنیکی برای آفریدن بافته‌هایی که بتواند البسه خوشایند را بیافریند، استفاده می‌شود. در کنار تمامی این عوامل، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، شغل و پیشه مردم، طبیعت و کیفیت البسه را که آنها احتمالاً می‌پوشیده‌اند را تعیین می‌کند. هدف از انجام این پژوهش آشنایی و شناخت، سیر تحول پوشاک هندیان در گذشته بوده است. این پژوهش بر اساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات توصیفی-تاریخی است. چگونگی گردآوری اطلاعات در این پژوهش به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) است که براساس آن کلیه منابع و شواهد تاریخی مورد مطالعه و فیش‌برداری قرار خواهند گرفت.

**واژه‌های کلیدی:** تاریخچه، نساجی، پوشاک، لباس، هند.

پوشاک سنتی هندی ما را به دوران گذشته خواهد برد. هند از کشورهای بزرگ دنیا می‌باشد و همچنین دومین کشور پرجمعیت جهان نیز هست. این کشور کاملاً در نیمکره شمالی که سطح ناحیه‌ای به وسعت ۳۴۸۴۲۸۰ کیلومتر با چشم‌اندازی وسیع و غنی در تنوع گیاهی-جانوری، توانایی پوششی هیمالیا به همراه مناطق شمالی و شمال‌شرقی، بیابانی در غرب، نواحی ساحلی بزرگ در شرق، جنوب‌شرقی و جنوبی کشور واقع شده است. عوامل جغرافیایی تأثیر مستقیمی در وضعیت آب و هوایی دارند که نقش قاطعی در انتخاب مواد برای پوشاک در منطقه‌ای خاص را بازی می‌کند. جدا از پارامترهای جغرافیایی و اقلیمی بیشتر از چهار هزار سال تاریخ پرتحول به‌طور وسیع در تحول و تکامل پوشاک هندی تأثیر داشته است که در کنار آن میراث غنی و کثرت‌گرایانه در این کشور را تخصیص داده‌اند. تاریخ لباس به‌عنوان بخشی از تاریخ تمدن بشریت بیانگر فرهنگ و اعتقادات هر قوم و ملیت است. در طی دوران، لباس به تدریج از یک نیاز ابتدایی به یکی از عوامل تعیین‌کننده هویت هر قوم یا تمدن تبدیل شده است. مطالعه تاریخ نشان می‌دهد هر نوع تغییر و تحول اجتماعی و اقتصادی هر جامعه، پوشش خاصی را به وجود آورده است (پتک، ۱۳۸۹). پوشاک در جهان امروزی به‌صورت یک وسیله دیداری برای شناخت انسان‌ها از جنبه اقلیمی، تاریخی، فرهنگی، هنری، اقتصادی و سطح تمدن و پیشرفت جامعه درآمده است. پوشاک در فرهنگ اصیل هندی از تنوع بسیار زیادی بر خوردار است. سابقه این فرهنگ غنی را باید در سنت‌های پوشش مردم مناطق مختلف جستجو کرد. لباس‌های سنتی به دلیل تنوع زیبایی خاصشان می‌توانند منبع قابل توجهی از الهام برای طراحان و هنرمندان باشند و حفظ آن‌ها به عنوان بخشی از میراث فرهنگی یک کشور، سبب افزایش اعتماد به نفس ملی و جلوگیری از بی‌هویتی نسل جوان می‌گردد. هدف از این پژوهش مطالعه تاریخچه پوشاک در دوران‌های مختلف هند است. این پژوهش بر اساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات توصیفی-تاریخی است. چگونگی گردآوری اطلاعات در این پژوهش به‌روش اسنادی (کتابخانه‌ای) است که بر اساس آن کلیه منابع و شواهد تاریخی مورد مطالعه و فیش‌برداری قرار خواهند گرفت. سوال مطرح شده در این پژوهش به شرح ذیل است: سیر تحول پوشاک و لباس هند در دوران گذشته چگونه بوده است؟ و فرضیه مطرح شده: اوضاع سیاسی و اقتصادی در دوران مختلف بر شکوفایی و یا افول هنر و صنعت نساجی تأثیر گذار بوده است.

## ۱. تاریخچه پوشاک و لباس هندی

هند چندین مرتبه مورد تاخت و تاز یونانی‌ها، سکاها، کوشانی‌ها، هون‌ها، سیت‌ها، سلطان‌ها، خلجی‌ها، لودی‌ها، مغول‌ها و اروپایی‌ها از هر دو طرف جنوب و شمال‌غربی قرار گرفته است. متجاوزین مانند یونانی‌ها و هون‌ها برای یافتن غنیمت جنگی به هند آمدند. آنها آمدند، جنگیدند و این کشور را به‌غارت بردند و پیش از رفتن دست به چپاولگری سخاوتمندانه‌ای زدند. جنگجویان بیشماری از ارتش‌های غارتگر وارد هند شدند، البته هرچند که ترجیح دادند در میان مردمان بومی بمانند تا به سرزمین مادریشان بازگردند- دیگر غارتگران هند را فتح و بر مردم بومی حکومت کردند. در هیچ مورد دیگری، ارتباط طولانی بین غارتگران و غارت‌شدگان منجر به یک تبادل فرهنگی بین دو فرهنگ نشد و فقط در هند نتیجه منطقی متقابل رودرروی فرهنگی مردم مختلف باعث شکل گرفتن این مسأله شد. این نفوذ چندگانه فرهنگی و نژادی در مجموع و به‌شکل قابل‌ملاحظه-ای باعث تغییر شکل پوشاک هندی شد. نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و مراسم مختلف مذهبی باعث شد تا بافندگان و هنرمندان در آفریدن پوشاک ویژه مذهبی و منسوجات خاص آن نوآوری و ابتکار به‌خرج دهند. برخی از البسه رایج مذهبی از قبیل: صدری، میرجایی، کورتا، نماوالی، چادر دارای نقوش مذهبی می‌باشند که یا در آنها بافته شده و یا بر روی آنها نقش شده‌اند (کمپانی، ۱۳۹۷).

از دوران ودایی در هنگام مراسم آیینی معابد با البسه و ترجیحاً با پارچه‌های دوخته‌شده آراسته می‌شدند. این سنت را رهبران مذهبی به‌ویژه در بخش جنوبی هند وارد و رایج کردند. جدا از پوشاکی که وابسته به موقعیت‌های مذهبی است، نوع ویژه‌ای از پوشاک برای ازدواج مانند دیگر مکان‌های دنیا در هند نیز تهیه می‌شود. ازدواج‌های سنتی هندی با ولخرجی، تنوع رنگ و ساختی دقیق در پوشاک همراهان عروس یا داماد، جواهرات، تزیینات و خوراک مشهود هستند. البسه عروسی در هند

بیش از هزاران نوع می‌باشد که هر منطقه، نژاد و قوم دارای پوشاک خاص خود است. بنابراین پوشاک هندی نشاندهنده آرایش خیره‌کننده‌ای از طرح‌ها، سایه و روشن‌ها با رنگ‌های نمادشناسانه بسیار شخصی خودشان می‌باشند و مردم سرتاسر دنیا را در طول زندگی جادو و افسون می‌کنند. چشم‌انداز البسه هندی از دوران ودایی تا قرن بیستم به درک به‌هم پیوسته ملبوسات هندی با تمرکز ویژه بر روی فرهنگ البسه شمالی، شرقی و شمال‌شرقی، غربی و مرکز، جنوبی هند کمک می‌کند (پتک، ۱۳۸۹).

بر طبق نظر برخی از دانشمندان اروپایی هنر هندی به‌طور عریان البسه دوخته‌نشده را مجسم می‌کند. در نتیجه شاید بر این نکته دلالت دارد که مردم بومی از دوخت و دوز آگاه نبوده‌اند و دوختن هنری بوده که خارجی‌ان به مردم بومی هند آموخته بودند. مناطق و کشورهای حاره‌ای هرچند دارای تاریخ مردمی است که لباس‌های گشاد و ظریف را به‌شکلی از پارچه‌پوشی که بدن یا قسمتی از آن را می‌پوشانیده‌اند؛ نه ساری و نه دوتی احتیاجی به دوختن ندارند؛ اما هر دوی آنها به‌عنوان پوشاکی راحت و دلپذیر مطرح شده‌اند. درحالی‌که پوشاک مهم‌ترین شاخص هنر در جامعه محسوب می‌شود، این مسئله نباید مقیاسی بزرگ برای دسترسی به اجرای ملبس شدن یک جامعه در مدت هر دوره تاریخی ویژه را تشکیل دهد. برای مثال برهنگی مسئله عمده و برجسته‌ای در هنر مدرن به‌شمار می‌رود، بدون داشتن شاخصی خاص هیچ جامعه‌ای ملبس شدن را انجام نمی‌دهد. هنر هندی اساساً از دین ملهم شده، دین همیشه اهمیت و تأکید زیادی برای روش‌های روحانی و معنوی برای رسیدن به خدا داشته است. حتی داستان معروف کریشنا-لیلا -کریشنا لباس‌های گاوچران یا گویی را دزدید- باید تفسیری برای نوعی روشنایی روحانی باشد. بر طبق کتاب بگودگیتا که یکی از کتب مرجع و مقدس هندوها به‌شمار می‌رود، برای رسیدن به خدا شخص باید در خالص‌ترین شکل خود بر علیه جهان متعلقات طغیان کند. شخص خودش را به خدا تسلیم می‌کند بدون اینکه هیچ‌چیزی را پنهان کند. در ترسیم تصویر کریشنا-لیلا مینیاتورسازان هندی تالابی را تصور کرده‌اند که نمایشگر متعلقات این جهان خاکی است؛ درحالی‌که گویی‌ها نماینده انسان‌هایی هستند که به خدا رسیده‌اند، بدون اینکه هیچ‌چیزی را از او پنهان کرده باشند. پوشاک نماینده و بیانگر گناهانی که گویی‌ها آموخته بودند که پنهان کنند یا بپوشانند، می‌باشد (کمپانی، ۱۳۹۷).

هنر هندی همیشه وسیله‌ای برای توضیح دادن مسائل فلسفی، عادات و رسوم قومی فرهنگ هندی بوده است. سه منبع اصلی و مهم -کشفیات باستان‌شناسی، مراجع ادبی و پوشاک واقعی و عینی- ما را به بازسازی و تهیه تاریخ پوشاک هندی راهنمایی می‌کنند. تاریخ باستان‌شناسی پارچه‌بافی هند از تمدن سند (۱۴۰۰-۲۶۰۰ پیش از میلاد) شروع می‌شود. کتب مرجع بسیاری در مورد پوشاک دوران ودایی که از (۶۰۰-۱۲۰۰ پیش از میلاد) آغاز می‌شود، وجود دارد. پوشاک واقعی در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی خارج از هند و در خود هند به قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی برمی‌گردد. همه این مراجع بصیرت و بینش جالبی در مورد تسلسل تاریخی، فرهنگی و خط سیر پوشاک در شبه‌قاره هند را فراهم می‌کند و پوشاک هندی را در اعصار مختلف شرح می‌دهد (شاگری، ۱۳۷۸: ۴۷).

## ۲. پوشاک در تمدن سند (۱۴۰۰-۲۶۰۰ پیش از میلاد)

تمدن سند که هم‌زمان با تمدن چین، مصر و بین‌النهرین در بخش شمال‌غربی هند تقسیم‌نشده پیشرفت کرد، شامل پاکستان امروزی و بنگلادش بوده است. حفاری‌ها باقیمانده جامعه‌ای کشاورزی را با درجه معینی از تخصص در کوزه‌گری، جواهرسازی، پارچه‌بافی، فلزکاری و معماری کاملاً متعالی و ارتباطات مهم تجاری با تمدن‌های معاصر را نشان می‌دهد و دلالت بر این دارد که تمدن سند حتی در هزاره سوم پیش از میلاد توسعه‌یافته بوده است. تمدن سند به‌شکل بسیار مطلوبی در هنر پارچه‌بافی پیشرفته کرده بود، همانطور که مدارکی یافت شده که دانه‌های کتان، ابریشم و الیاف دیگر دستگاه دوک نخ‌ریسی، سوزن، ماسوره، درفش و دیگر ابزار و وسایل نساجی کشف شده است. سفالینه‌ها و پیکره‌های سنگی کوچک از زیر خاک درآمده از حفاری‌های مکان‌های گوناگون به درک مسیر پوشاک در این دوره کمک کرده است. از مثال‌های بی‌واسطه، صریح و مطالعه جزئیات می‌توان حدس زد که نمونه لباس‌ها برای هر دو زن و مرد شامل دو بخش بوده است:

۱. لباسی برای قسمت پایین تنه

۲. لباسی برای بخش بالاتنه.

لباسی که برای بخش پایینی بدن استفاده می‌شده است، شبیه دوتی بوده، درحالی که لباسی که برای بالاتنه به کار برده می‌شد، شبیه شال می‌باشد که زیر بازوی راست قرار می‌گرفته و از بالای شانه چپ می‌گذشته و شانه راست را عریان رها می‌کرده است. دو سنگ تراشیده شده دلالت بر لباسی مردانه در این عصر می‌کند:

۱. یک رهبر مذهبی ریش‌دار با شال (موزه کراچی، پاکستان) و

۲. مرد نشسته در حال خودنمایی با ردا (موزه اسلام‌آباد، پاکستان) که در منطقه موهنجودارو پیدا شده است (مهدی‌زاده، ۱۳۵۷: ۷۸).

در کنار البسه پیچیدنی مانند شال، روسری و ساری تعداد کمی از سنگ‌ها و سفالینه‌های کنده‌کاری‌شده تمدن سند نشاندهنده استفاده مردم سند از لباس‌های دوخته‌شده بوده است. یک زهوار تلقی از منطقه موهنجودارو هفت زن با پیکره‌های کوچک را نشان می‌دهد که دامن‌ها یا جامه‌هایی شبیه پیراهنی کوتاه پوشیده‌اند. پیدا شدن سوزن‌هایی که از استخوان، عاج، آهن و طلا ساخته شده، درفش‌هایی ساخته‌شده از استخوان و عاج که اغلب در تمام بخش‌های تمدن سند یافت شده، نشاندهنده این مسئله می‌باشد که احتمالاً برخی از انواع دوخت و دوز در این عصر انجام می‌شده است. مردان معمولاً موی بلند داشته‌اند، اگرچه به روش‌های مختلفی آن را می‌آراستند و با بند مو یا با کلاهکی مخروطی شکل آن را می‌بستند. آرایش موی زنان برجسته و با نوعی پوشش سر که به شکل بادبزین بوده، موی خود را می‌پوشانیدند. برخی اوقات زنان موی خویش را می‌بافتند، همانطور که به شکلی زیبا در قطعه‌ای برنزی دختری در حال رقص از منطقه موهنجودارو ترسیم شده است. در این دوره هر دو زن و مرد شیفته لباس بودند. پیدا شدن گردنبندها، النگوها و مهره‌های به نخ کشیده ساخته‌شده از طلا، نقره، سنگ‌های نیمه‌گرانیه‌ها و سفالینه‌ها نشاندهنده سنت غنی جواهرسازی در تمدن دره سند می‌باشد (کمپانی، ۱۳۹۷).

### ۳. پوشاک دوران ودایی هند (۶۰۰-۱۲۰۰ پیش از میلاد)

ادبیات ودایی منبع دست اول اطلاعات در مورد دوران ودایی می‌باشد. این متون گسترده ادبی متعلق به آریایی‌ها یعنی کسانی که در شمال هند در دوران ودایی ساکن شدند، است. کتب مرجع ودایی یعنی ریگ‌ودا، سامودا، یاجورودا و آتروودا، برهمنانها و اوپانیشادها اصول فرهنگ و دین آنها را شکل می‌داده است. این منابع محتوی اطلاعاتی اندک و در بسیاری موارد یادداشت‌هایی پراکنده از زندگی هر روزه مردم است. مردمان دوران ودایی (آریایی‌ها و مردمان بومی) از کسوم (پارچه کتانی)، اورنا (پشم)، دوکال یا (کتان) و پوست حیوانات برای تهیه لباس استفاده می‌کرده‌اند. پوشاک برای مردان شامل سه تکه بوده است:

۱. نیوی (لباس پایین تنه)

۲. واساس (لباس بالاتنه)

۳. آدی‌واسا (لباس بیرون، لباس شانه‌ها).

اوسنی‌سا (دستار) بعدها به پوشاک اضافه شد. لباس زنان شامل دو تکه بود:

۱. چانداتاکا (زیردامنی)

۲. واساس (لباس بالاتنه)

به‌طوری که در متون کهن ذکر شده و اساس را فقط الهه‌ها به کار می‌برده‌اند. در کنار این لباس‌ها مراجعی وجود دارد که به دوخت و دوز نیز اشاره می‌کند. اصطلاح «اتکا» برای لباسی بلند، تنگ و چسبان که مردان آن را بر تن می‌کرده‌اند، به کار می‌رفته. «پیسامسی» اصطلاحی است که اغلب برای نوعی دامن پلیسه به کار می‌رفته (ریگ‌ودا) که با هنرمندی بسیار آن را با نخ‌هایی از طلا گلدوزی می‌کردند و رقصندگان آن را می‌پوشیدند. «داری» لباسی چسبان با گلدوزی‌هایی از طلا که مردان، زنان، اعیان و کسانی که دارای موقعیت اجتماعی بالا بودند عموماً می‌پوشیده‌اند (پتک، ۱۳۸۹). پادشاه دستارش را در راج سویا و واجاپیا گره زد، با روشی قربانی خویش را انجام داد که انتهای دستارش در کنار هم جمع و در جلوی آن چین خورد. قربانی

راجسویا را پادشاه اجرا می‌کرد تا با علامت‌گذاری بر دارایی و مایملکش کلیه شاهان دیگر را مطیع و مهقور خود سازد، درحالی‌که قربانی واجپیا برترین سلطه و اقتدار را بر اجراکننده قربانی می‌بخشید، این قربانی را می‌توانست یک برهمن<sup>۱</sup> نیز اجرا کند (مهدی‌زاده، ۱۳۵۷: ۹۹).

مرجعی برای اثبات مسئله پارچه‌پیچی در دوران باستان وجود دارد که در قسمت سب پرو حماسه ماهابهارت «چیراران»<sup>۲</sup> دروید در بخش تقسیم آب از این حماسه ذکر شده است. بر طبق این مرجع، دوشاسن سعی کرد ساری دروید را از تنش در دربار شاه کوروا در شهر هستیناپور در یتراشترای بیرون آورد، اما کریشنا پارچه ساری او را بیشتر و بیشتر کرد. در حماسه رامایانا، سیتا از آهوی طلایی خواهش کرد که از پوستش لباسی تهیه کند. این قبیل مراجع نشان می‌دهد که ملکه‌ها نیز در هنر دوخت و دوز بسیار ماهر بودند. گردنبندها، بازوبندها، زیورآلات سر و گوشواره‌ها زینت‌هایی معمولی بودند که مردان و زنان در دوره ودایی آنها را بر خود می‌آویختند. در سمهیتاها اولیه از کفش ذکری به‌میان نیامده، اولین اصطلاح درباره کفش کلمه «اوپانا» بوده که در دوران سمهیتاها (تایتیریا سمهیتا)، وداها (دراترین‌ودا) و براهماناها (ستپت براهمنا) ظاهر شده است. در ستپت براهمانا ذکر شده که صندل یا کفش از پوست گراز وحشی ساخته و فقط در مراسم مذهبی پوشیده می‌شده است (پتک، ۱۳۸۹).

#### ۴. پوشاک دوران موريا و سونگ (۷۲-۳۲۴ پیش از میلاد)

چندرا گوپتا موريا (۳۰۰-۳۲۴ پیش از میلاد) اولین امپراتوری یکپارچه و مقتدر را در هند تأسیس کرد و سند، جلگه گنگ و بعدها منطقه شمال‌غربی را به‌کنترل خود درآورد. مگاستینس سفیر سلوکی در دربار موريا و نویسنده کتاب «یندیکا» اطلاعات بسیار زیادی‌قیمی در مورد دربار موريا و فعالیت‌های آنان ارائه کرده است. وزیر چندرا گوپتا موريا به‌نام کوتیلیا که به چاناکیا نیز معروف می‌باشد، کتابی به‌نام «رتاشاسترا» نوشته؛ این کتاب استادانه‌ترین مدرکی است که در مورد سیاست، اقتصاد و موقعیت اجتماعی در این زمان تهیه شده است. نوه چندرا گوپتا موريا به‌نام آشوکا (۲۳۷-۲۷۴ پیش از میلاد) یکی از بزرگ‌ترین امپراتوران هند بود و رابطه نزدیک دینی با آسیای مرکزی و چین داشته است. پوشایامیترا سونگ (۱۵۱-۱۸۴ پیش از میلاد) یکی از صاحب‌منصبان دوره انحطاط موريا و کسی که امپراتوری سونگ یا سونگا را تأسیس کرد، می‌باشد. او قلمروی خود را از ماگدا (ایالت بیهار کنونی) تا ملوا (هند مرکزی) گسترش داد. گیتانجلی (فیلسوف بزرگ هندی) کتاب «دستور زبان» خود را در این زمان نوشت. مجسمه‌ها، کنده‌کاری‌ها و گنبد‌های مقابر سانچی و بهاروت در ایالت مادیاپرادش و دیگر مقابر در شهر پتنا (ایالت بیهار) و منطقه پیتالکورا (منطقه دکن) مثال‌هایی بسیار عالی درباره البسه و پوشاکی که پادشاهان، افراد عادی و بیکوس‌ها یا راهبان بودایی می‌پوشیدند، به دست می‌دهد (بیاتی، ۱۳۹۰: ۸۷).

از نمونه پوشاک آنها می‌توان به پیراهنی کوتاه با حلقه‌هایی که از روی قفسه سینه می‌گذرد، تیردانی که به دوش می‌کشد و کمر بند چرمی که با آن شمشیر خود را حمل می‌کند، اشاره کرد. پوشاک پایین‌تنه هندی یعنی آنتاریا بیشتر معمول بود تا شلوار ایرانی. کلاه‌های مخروطی در بین ایرانیان بسیار رایج بود. لباس بیکوس‌ها (راهبان بودایی) شامل سه تکه بود:

۱. سنگاتی
۲. آنترواسکا
۳. اوتراستنگ

بیکونیس یا زنان راهب بودایی اجازه داشتند که از «کنکوکا» استفاده کنند. جدا از لباس‌هایی که شبیه لباس‌هایی بود که بیکونیس‌ها می‌پوشیدند. زن و مرد از زیورآلات روسرهای زنانه‌ایی که با استادی و سلیقه تمام درست شده بود، استفاده می‌-

<sup>۱</sup> طبقه روحانیون در آیین هندو

<sup>۲</sup> برهنه شدن

کردند، همانطور که کنده‌کاری‌های مشهودی که از این دوره بدست آمده نیز نشان‌دهنده این مسئله می‌باشد. این کنده‌کاری‌ها نشان‌دهنده انواع گسترده جواهرات چون گردنبند، گوشواره، بازوبند، کمربند، دستبند و غیره است. در میان دیگر آنها که هر دو مرد و زن معمولاً استفاده می‌کردند، کنده‌کاری‌ای که از منطقه دیدار جنگ بدست آمده که نشان‌دهنده زنی با موهایی که به طرز به‌خصوصی شبیه کلوچه با بندهایی تزیین شده است، می‌باشد. او درواقع یک یکشی است که گردنبند، النگو و خلخال پوشیده. این نشان‌ها و کنده‌کاری‌ها درباره جواهرات که از دوران موری و سونگ بدست آمده، به ما اندیشه باشکوهی را از آن دوران ارائه می‌کند. جواهرات مهره‌ای ساخته‌شده از سنگ سیاه با طرح‌های زیبایی که از گیاهان و گل‌های منطقه گرفته شده بود، شبیه کنده‌کاری‌هایی متعلق به این دوره است که در شمال هند پیدا شده. کفش‌ها و صندل‌ها با شکل‌ها، رنگ‌ها و مواد مختلف بخش کامل البسه مردم این دوره را که عادت به پوشیدن آنها داشتند، شکل می‌داد (کمپانی، ۱۳۹۷).

##### ۵. پوشاک دوران ساتاوانا (۲۰۰ پیش از میلاد تا ۲۵۰ میلادی)

امپراتوری ساتاوانا یا آندرا در منطقه دکن در جنوب هند زمانی که امپراتوری موری در مرحله پایانی انحطاط بود، تأسیس شد. امپراتوری ساتاوانا به درجه‌ای تازه از کمال در زیر سلطنت گوتامی پوترا ستکارنی (۱۳۰-۱۰۶ میلادی) و واشیشی پوترا پولامایی (۱۵۹-۱۳۰ میلادی) رسید. این دوره، دورانی امن بود. تجارت و صنعت در بازارهای خارج از کشور و داخل بسیار پیشرفت کرد. رومی‌ها بر مردم بومی تأثیر گذاردند که تأثیر زیبای آن را در کنده‌کاری عجیب و حیرت‌آور گذرگاه‌های منطقه سانچی و مقابر ایالت مادیاپرادش و آجاتا (غارهای شماره X-XI اورنگ‌آباد ایالت ماهاراشترا) و در آموواتی و نگار جونکوندا (جنوب هند) و دیگر آثار برجای مانده از این دوره می‌توان یافت. این دوره با انواع لباس‌های دوران قدیمی‌تر ادامه یافته و مشخص شده بود، به‌جز اینکه سبک‌های پوشش متفاوت بیشتری به‌وجود آمد. پوشاک بومی شامل چهار تکه می‌شد:

۱. اوتاریا

۲. آنتاریا

۳. کایابند

۴. اوسنیا

ملازمان، شکارچیان و کارکنان نظامی لباس‌هایی شبیه پیراهن دوخته‌شده می‌پوشیدند که همچنان شبیه پیراهن‌های کوتاهی بود که راهبان و مرتاضان از پارچه‌هایی که به هم دوخته شده و به رنگ زرد مایل به سرخ بود، بر تن می‌کردند. در مدت سلطنت ستواهانانا، مردان معمولاً دوتی می‌پوشیدند که تا پایین زانو می‌رسید. یک طرف انتهای دوتی به‌طرف پشت چین می‌خورد و طرف دیگر آن به‌سمت جلو جمع و تا خورده می‌شد. دوتی در کمر با یک کمربند که به‌شکل یک قوس برآمده بود، محکم بسته می‌شد. همانطور که در کنده‌کاری‌های این دوره مشاهده می‌شود، بخش بالایی بدن معمولاً عریان ترسیم شده است (بیاتی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). مردان دستار و حمایل‌های ابریشمی با شیوه‌های مختلف می‌پوشیدند. پوشاک زنان در این دوره نشان‌دهنده دو نوع لباس برای بخش پایین بدن بود:

۱. یک طرف از آن روسری یا شال باریک بود که به کمربند بسته می‌شد

۲. دیگری به پشت گره می‌خورد یا انتهای آن لباسی بود که به کمر گره می‌خورد و تا پایین زانو می‌رسید، به دور کمر پیچیده شده، انتهای دیگر پلیسه‌دار و به جلو گره خورده و از میان پاها می‌گذشت.

برخی اوقات زنان کمربند می‌پوشیدند و معمولاً دست‌هایشان را با اودانی یا دستار می‌پوشانیدند. در این دوره کفش را از پوست گوزن یا گراز نر تهیه می‌کردند. همانطور که در کنده‌کاری‌ها و مجسمه‌های سنگی در این دوره تصویر شده، مردم بومی بسیار بیشتر از خارجی‌ها جواهرات بر خود می‌آویختند. دستار یا عمامه و آرایش موی آنها نیز شکوهمند و استادانه بود. مردان عمامه یا دستار می‌پوشیدند (همان).

## ۶. پوشاک دوره کوشانیان (۱۳۰ پیش از میلاد-۱۸۵ میلادی)

دوره کوشان در تاریخ پوشاک هندی یکی از مهم‌ترین دوران در این زمینه به حساب می‌آید. در این زمان هیچ اتحاد شکلی در پوشاک وجود نداشت و تنوع آن از ناحیه‌ای به ناحیه‌ای دیگر تفاوت داشت. فرمانروایان کوشانی که اصلاً به قبایل ترک‌ین-چی تعلق داشتند، تقریباً به مدت سه قرن حکومت کردند. این دوره در سیاست و اقتصاد یکی از دوران مهم و پیشرو به شمار می‌رود. از نظر سیاست پیشرو کوشانیان بر سرتاسر بخش‌های شمالی و مرکزی هند از ۱۳۰ پیش از میلاد تا ۱۸۵ میلادی حکمرانی کردند. پیش از آنها یونانی‌های باکتریایی بر منطقه گندهارا (قندهار فعلی در افغانستان)، تاکسیلا و دره کابل، سکاها و پارت‌ها بر ماتورا، تاکسیلا، مالوا و شبه‌جزیره کاتیاوار حکمرانی کردند. از نظر اقتصادی این وضعیت بر توسعه راه‌های تجاری آسیای مرکزی گواهی دارد. در نتیجه ارتباطات بین بخش‌هایی از هند و دیگر کشورها قوی شد و بر پوشاک بومی و روش زندگی مردم تأثیر گذاشت. خارجی‌ان و لباس‌هایشان برای مردم بومی شیفتگی و فریفتگی به همراه داشت. با تغییرات اندکی، پوشاک خارجی‌ان را خانواده سلطنتی، افراد نظامی، رقصندگان و دیگر گروه‌های مردم عادی مورد پذیرش قرار دادند (پتک، ۱۳۸۹).

این مسئله در سنگ‌ها، کنده‌کاری‌ها و مجسمه‌های ساخته‌شده از عاج و سفالینه‌هایی که در این دوره از زیر خاک بیرون کشیده شده، گواهی دارد و مکان‌هایی چون گندهارا، تاکسیلا، بسنگر و بگرام نشان‌دهنده این مطلب می‌باشد. مکتب هنری گندهارا تحت تأثیر یونانی‌ها و رومیان قرار گرفت، درحالی‌که مکتب هنری ماتورا ادامه مستقیم مکاتب بومی هندی از بهاروت و سانجی می‌باشد. متونادبی -به‌ویژه در کتاب بودایی تیریپیتیکا، کتب قانون دین جین و سانسکریت- نوری بر انواع البسه که در این دوران پوشیده می‌شده است، می‌تاباند و درباره جزئیات بافندگی و مواد مختلفی که از آنها استفاده می‌شده، مطالب بسیاری به دست می‌دهد. همچنین انواع تکنیک‌ها و تزیینات مهم در البسه شامل گلدوزی‌های نفیس با نخ یا مروارید که ثبت و ضبط شده، وجود دارد. پس از گروه‌های اشرافی و سلطنتی، طبقه اجتماعی مهم دیگر شامل سربازان می‌شود. کنده‌کاری‌های کوشان نشان‌دهنده دو شیوه برای پوشاک سربازان است:

۱. گروه بومی لباسی کمری که به کمر بسته می‌شده و روسری یا عمامه (دستار)
  ۲. گروه خارجی که کلاهخود، نوع آشوری جوشن یا پیراهن، دوتی و دستار می‌پوشیده‌اند.
- این دوره را انواع متنوع غنی به‌طور مساوی که برای پوشاک دوخته‌شده و پارچه‌های پیچیدنی برای زنان مشخص می‌کند. در مکتب گندهارا زنان در لباس ساری پوشیده شده که اساساً شامل کمربند و چادار/دوپتا بوده نشان داده شده‌اند. مکتب ماتورا با نمونه خاص ساری/دامن و کمربند با یا بدون دوپتا مشخص شده است. فهرست زیر برخی سبک‌های رایج که در آن دوره پوشیده می‌شده است را نشان می‌دهد:
- یک تونیک آستین‌دار، یک نوع زیردامنی و شال/روسری
  - یک نمونه ساری آراسته با کمربند و چادار/دوپتا که به‌نظر می‌رسد از پوشش رومی گرفته شده باشد. این لباس ساری‌مانند دو یا سه روش برای دور خود پیچیدن و چین‌دار کردن و پوشیدن داشته است.
  - زنان خارجی را معمولاً در تونیک، یک دامن چین‌دار شده و یک کمربند نشان داده شده‌اند.
  - برخی اوقات خارجی‌ان یک کمربند گشاد و یک چادار یا دوپتا می‌پوشیده‌اند. کنده‌کاری‌ها و مجسمه‌های ماتورا همچنین نشان‌دهنده انواع گوناگون البسه زنان می‌باشند.
  - ساری با یا بدون دوپتا و کمربند
  - در برخی کنده‌کاری‌ها زنان دامن بر تن دارند.
  - تونیک‌هایی که زنان خارجی می‌پوشیده‌اند، برخی اوقات ترسیم شده است.
- بیکوس‌ها یا راهبان بودایی مرد پوشیدن البسه سخت و خشن یا پوشاک ساخته‌شده از پوست درخت، برگ درختان یا پوست حیوانات را ادامه دادند. کتاب پاتی‌موکاسوت اثر وینایا پیتک ذکر می‌کند که چندین قانون برای رنگ کردن البسه (کیوارس یا واسترا یا لباس)، خشک کردن لباس رنگ‌کرده، تقسیم و توزیع کیوارس در بین گیرندگان لباس وجود داشته است.



دو مجسمه از گندهارا نشاندهنده تارکین دنیا است که یک نیمه دوتی که تا بالای زانو می‌رسیده، پوشیده؛ درحالی‌که بخش بالایی بدون پوشش بوده (کونل، ۱۳۴۷: ۲۱۵).



تصویر ۱- پوشاک هندی؛ (www.nthropologyandculture.ir)

#### ۷. پوشاک دوران گوپتا (قرن چهارم و پنجم میلادی)

امپراتوری گوپتا از ۳۲۰ میلادی با سلطنت چاندرا گوپتا اول شروع شد. کسی که تا ۳۴۰ میلادی یک حکومت بر رقیب را برماگدا (شامل ایالت بنگال کنونی) داشت. پسرش سامودرا گوپتا (۳۸۰-۳۴۰ میلادی) و نوه‌اش چندرا گوپتا ویکرام آدیثیا (۴۱۵-۳۸۰ میلادی) امپراتوری گوپتا را به بالاترین نقطه اوج خود رساند؛ این مرحله معروف به عصر طلایی در تاریخ هند می‌باشد. عصر طلایی در تعادل و هماهنگی باشکوه همه هنرها که شامل ادبیات، موسیقی، پوشاک، منسوجات و ضرب سکه‌ها می‌باشد، شاخص بوده است. ادبیات غنی زبان سانسکریت (مرکوش اثر /مرسینگ، سنکون تالا، راگوامسا و کوماراسمبوا اثر کالیداس، ماهاویرا چاریتا و اوتارام-چاریتا اثر باوبوتی) روایت مسافرت راهب بودایی چینی فاهین و کتیبه‌ها مجموعه اطلاعات نفیسی درباره منسوجات و پوشاک تهیه و ارائه کرده است. این اطلاعات نه تنها بر استفاده از انواع گوناگون کتان، ابریشم و پشم اشاره می‌کند، بلکه همچنین بر کیفیت، مراکز تولید و بافندگی نیز اشاره دارد. این مدارک ادبی به درک ترسیم و تجسم بصری بر نقاشی‌های آجانتا، الورا و باغ کمک می‌کند (پتک، ۱۳۸۹).

منبع مهم دیگر کسب اطلاعات در دوره گوپتا سکه‌ها است که نوری بر پوشاک سلطنتی که فرمانروایان گوپتا می‌پوشیده‌اند، می‌افکند. از سکه‌های این دوره روشن می‌شود که پادشاهان دوره گوپتا پوشاک دوخته‌شده می‌پوشیدند و شاید گروه اشراف نیز اینچنین می‌کرده‌اند. سکه‌های طلا از دوره سمودرا گوپتا او را در یک تونیک، شلوار و یک کلاه نشان می‌دهد. اغلب پادشاهان گوپتا در تونیک‌هایی از چرم نرم بلند و شلوارهای گشاد نشان داده شده‌اند. پوشاک پادشاهان پارتی-کوشانی شامل بالاپوش و لفافه‌های کت مانند تا کورتاهای آستین‌دار و چاک‌دار بر دو طرف و شلوارها متنوع بود. جدا از البسه دوخته‌شده، پوشاک بومی (آنتاریا، اوتاریا و کمربند) به‌طور یکسان رایج بود. در غار شماره شش از آجانتا (در شهر اورنگ‌آباد ایالت مهاراشترا) تصویر راهبی را به‌نمایش می‌گذارد که یک دوتی کوتاه پوشیده، یک کمربند دور بخش بالایی بدن پیچیده و بالای شانه چپ بسته شده است. بر روی تزیینات سقف داخلی غار شماره یک یک فرد خارجی متشخص (یک ایرانی شاید) از آشامیدنی خود به همراه ملازمش لذت می‌برد. او با لباسی بلند، چسبان و یک تونیک آستین بلند و یک کلاه مخروطی و یک روسری و یک کمربند آراسته شده است. ملازمش که در طرف راست او قرار گرفته، یک لباس دامن مانند کوتاه که با حاشیه و تزیینات پوشیده است، بر تن دارد. ملازم سمت چپش یک لباس بلند با آستین بلند «جاما (جامه)» با یک یقه به‌شکل حرف وی انگلیسی که در ناحیه گردن باز است و یک عرق چین پوشیده. در غار شماره یک پیکره سنکا پلا جاتک، تصویر شاهان و دیگر اعضای طبقه اشراف ترسیم شده که یک آنتاریا از ابریشم اعلا یا موسیلین همراه با کانچوکا مانند یک پیراهن چین‌دار پوشیده‌اند. با یک کایابند که در کمر به کار رفته و لباس را در آن محل نگاه داشته است. دستارها اساساً توسط اشخاص عالی با مقام معین مانند وزرا و دیگر کارمندان رسمی مهم پوشیده می‌شده (ارشاد، ۱۳۶۵: ۴۳).





تصویر ۲- نوع لباس هندی‌ها در دوران امپراتوری گوپتاها در حدود قرن چهارم میلادی؛ (www.karnaval.ir)

در نقاشی‌های دیواری غارهای آجانتا مردان با دستار نشان داده شده‌اند، درحالی‌که در سکه‌های سلطنتی مردان لباس‌های کوشانی-پارتی و کلاهی نوک‌دار یا منديل بر سر دارند. این لباس می‌توانست یک لباس نظامی یا ورزشی باشد. در دوره گوپتا تاج با بندی از مروارید و تاجی از گل که جایگزین دستار شده بود، زینت داده شده بودند؛ به‌ویژه برای اشراف پدیدار شد. شواهد محکمی درباره پوشاک در دوره گوپتا به‌راستی در سبک، رنگ و برش لباس قابل‌توجه می‌باشند (هالايد و گوتس، ۱۳۷۶: ۵۹).

کتاب «هرشچاریتا» یکی از نقاط برجسته در زمینه تاریخ باستانی هند به‌شمار می‌رود و نشان‌دهنده کاری استادانه از زندگی اجتماعی و فرهنگی شمال هند در قرن ششم و هفتم میلادی به‌حساب می‌آید. بر طبق نوشته *باناباتا* شاعر دربار امپراتور هرشواردان که در مناطق کنوج، ایالت اوتر پرداش کنونی حکومت می‌کرده، *هرشچاریتا* روایتی جذاب از زندگی امپراتور هرش واردان فعالیت‌های درباری او و وفور مراجع در منسوجات و پوشاک در آن دوره می‌باشد. *باناباتا* ذکر کرده که امپراتور هرشوردان عادت داشت دو لباس اصلی بپوشد: آنتاریا و اوتاریا. یک پتک که دور کمر پیچیده می‌شد و کمربندی که بر روی آن بسته می‌شده است. اوتاریا از پارچه‌ای عالی، منسوجی مانند «جامه‌دانی» ساخته می‌شد. امپراتور و مردم عادی هر دو گردنبند و تزیینات سر می‌بسته‌اند. *باناباتا* ذکر می‌کند که از شش نوع ماده برای ساختن لباس در این دوره استفاده می‌شده است. این لباس‌ها با کیفیت‌های مختلف از پارچه پنبه‌ای، ابریشم و پارچه کتان بوده است. درحالی‌که او شرح مراسم عروسی *راج شری خواهر* امپراتور را اینگونه می‌دهد که بشکروما حاکم آسام و معاصر امپراتور هرشوردان به او به‌عنوان هدیه ویژه ابریشم آسام را پیشکش کرد. *باناباتا* در ادامه توضیح می‌دهد که چهار نوع کت که با استادی شاخه شده بود، وجود داشت: کنچوک (کتی بلند با آستین بلند که گردن را می‌پوشاند)، باربان (کتی شبیه کنچوک اما کوتاه‌تر از آن)، چین چولاک (کتی گشاد، بلند، جلو باز چولا که بر روی کنچوک پوشیده می‌شده، شبیه چولا، کوپارسک (مانند چولا بلند، بدون آستین مانند جلیقه) (پتک، ۱۳۸۹).

سه نوع پای‌جامه در دوره سلطنت هرشوردان رایج بود: سوتن (لباسی برای قسمت پایین تنه تنگ و چسبان)، پینگ (شلواری گشاد)، استولا (پای‌جامه کوتاه یا شلوارکی کوتاه). این منسوجات و پوشاک به انواع مختلف تزیین شده بودند: چونتدار (چونت یعنی پلیسه و چونتدار به پوشاک پلیسه‌دار و کسی که این هنر را انجام می‌دهد، اشاره دارد)، بندیج (گره زدن و رنگ-آمیزی کردن)، مرواریددوزی یا قالب‌های چاپ شده بر روی لباس. *باناباتا* اشاره می‌کند که خدمتکاران به‌ویژه برای انجام چونتس استخدام شده بودند و آنان به‌ویژه این کار را روی اوتاریا انجام می‌دادند. پس از اتمام کار چونتس، لباس همیشه پلیسه‌دار نگه داشته می‌شد. او همچنین ذکر می‌کند که زنان در ساخت تزیینات بندیج، رنگ کردن و نقاشی کردن لباس متخصص شده بودند. در کنار اینها، او به مرواریددوزی بر روی لباس نیز اشاره می‌کند. هرش چاریتا با اطلاعات کاملی که از دیگر منسوجات و پوشاک ارائه می‌کند، در نتیجه سنت غنی بافته‌ها و منسوجات را تقویت و تأیید کرده و سلیقه زیبا و ظریف پالایش شده مردم در حدود قرن‌های ششم و هفتم میلادی را معرفی می‌نماید. هند دارای یکی از متنوع‌ترین انواع منسوجات در جهان است. تهیه و تولید آنان هدف استادان مد در تمام دنیا می‌باشد. تا این تاریخ پارچه‌های پنبه‌ای و ابریشمی هندی در ساخت و جذابیت بی‌همتا باقی مانده‌اند (کمپانی، ۱۳۹۷).



تصویر ۳- نمونه‌ای از پوشاک هندی؛ (www.nthropologyandculture.ir)

## ۸. پوشاک دوره پس از گوپتا (قرن‌های ۷ تا ۱۲ میلادی)

دوره پس از گوپتا اساساً یک دوره تغییر و تحول و همچنین کشمکش بر سر قدرت بین مناطق و تیولداران رسمی و سیاسی بوده است. این دوره همچنین شاهد حملات پی‌درپی هون‌ها که منطقه شمال هند را تضعیف کرده بود، می‌باشد. یکی از مهم‌ترین فرمانروایان شمال در دوره پس از گوپتا هرش واران بود که شاعر دربار *باناباتا* کتاب *هرشچاریتا* را نوشت. او شرحی استادانه از فعالیت‌های درخور توجه دربار ارائه می‌کند که به‌شکلی بسیار جالب درباره پوشاک، روش‌های رایج مد، پارچه‌هایی که برای تهیه پوشاک به کار می‌رفته، صحبت کرده است. او یادآوری می‌کند که هرشا معمولاً یک لباس سه تکه می‌پوشیده است: آتاریا یا دوتی، اوتاریا و پتک همراه با تزیینات سر و گوشواره و دیگر اضافات و ضمایم می‌پوشیده است. همانطور که او البسه سلطنتی را شرح می‌دهد، از اصطلاحات کانچوکا، واربان، چینچولک برای پوشاک بالاتنه استفاده کرده است. هرچند او در مورد هیچ لباسی به‌جز کانچوکا بحث نکرده که البته این مسئله فهمیدن سبک و شکل دیگر البسه را با مشکل مواجه می‌سازد. کانچوکا یک لباس بلند مانند کت که اغلب بلندی آن تا بالای زانو با آستینی بلند بوده. در کنار این لباس ساری، دوتی و دوهنی دیگر پوشاک مانند این را زنان می‌پوشیده‌اند. *باناباتا* همچنین شرحی با جزئیات درباره مراسم ازدواج *راج شری*، خواهر *هرشواردان* ارائه می‌کند (پاپی، ۱۳۹۰).

پس از هرش واران، سلسله پالا (در بهار در شمال هند)، سلسله پاریتارا (گجرات و غرب هند) و سلسله چالوکیان (در دکن در جنوب هند) سلسله‌هایی بوده‌اند که برای رسیدن به قدرت جنگیده‌اند. در حدود سال ۹۱۶ میلادی امپراتور سلسله *پاریتارا* (گجرات) رو به ضعف گذارد و خیلی زود شمال هند بر ایالات بیشمار کوچک تقسیم شد. در حدود قرن ۱۲ میلادی معیارهای اسلامی با قدرت در شمال هند کاشته شد. دوره بین ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ میلادی هند به سمت بی‌ثباتی سیاسی پیش می‌رفت. بنابراین مدارک و شواهدی که درباره البسه در این دوره هرج و مرج ارائه شده بیشتر منابع ادبی است تا کارهای هنری. ادبیات بومی سانسکریت، عربی و فارسی انباشته و لبریز از مراجعی در مورد پوشاک است، اما در غیبت تفاسیر و گزارش‌های مفید و مناسب در زبان و ادبیات عربی و فارسی برخی اوقات تفسیر و تفکیک کردن اصطلاحات معین درباره منسوجات بسیار مشکل است. مشکل دیگر این می‌باشد که اغلب منسوجات و پوشاک پس از آنکه البسه به‌عنوان بومی و محلی نامگذاری شدند، بدون آنکه ذکر از تکنیک ساخت، سبک و کاربرد آنان برده شود، مشخص می‌شوند (بی نا، ۱۳۴۳).

جغرافیدانان چینی و عرب با شرح جزئیات در مورد تجارت منسوجات و مراکز تولید پوشاک گاه‌گاهی در مورد طرح، رنگ، مواد سازنده و پوشاکی را که اشراف و مردمان عادی استفاده می‌کرده‌اند، صحبت کرده‌اند. در ادبیات دوره پس از گوپتا درباره پارچه‌های نخی، ابریشمی و پشمی بحث شده است. مردان معمولاً تونیک، شلوار و دستار می‌پوشیده‌اند. سنگ‌ها و کنده‌کاری‌های سفالی، برگ‌های نقاشی‌شده درخت نارگیل از بودایی‌های ویجایا در این دوره دلالت بر این دارد که البسه بومی (آنتاریا، اتاریا، کمربند، تاج یا دستار) را مردم عادی نیز می‌پوشیده‌اند. زنان تونیک‌های بلند، البسه بالاتنه، سینه‌بندهای آستین‌دار (مانند بلوزسازی که اکنون زنان هند بر تن می‌کنند) و آتاریا می‌پوشیده‌اند. گردنبندها، گوشواره‌ها، انگوها، حلقه و کمربند جواهرات اساسی بوده‌اند که در این دوره استفاده می‌شده است. کنده‌کاری‌ها و مجسمه‌های بیشمار منطقه پالا سنت جواهرسازی را برای ما ترسیم می‌کند. یکی از این مثال‌ها سنگی کنده‌کاری شده از تارا است. او یک لباس کوتاه که دارای چین‌های نرم و ظریف

است پوشیده. او همچنین اضافه بر لباس‌های اصلیش دیگر چیزها مانند: یک گردنبند عریض که بر دور گردن تنگ و چسبان بسته شده و یک گردنبند با مهره‌های بلند، بازوبند و یک کمر بند بر تن دارد (همان).

#### ۹. پوشاک دوره پالاوا (قرن‌های هفتم تا نهم میلادی)

سلسله پالاوا از منطقه کانچی نماینده یکی از کهن‌ترین سلسله‌های جنوب هند می‌باشد. سیمائویشنو (آخر ربع قرن ششم میلادی) مهیندرا ورمنا (۶۳۰-۶۰۰ میلادی) و راجسینا (۷۴۵-۷۴۰ میلادی) پادشاهان مشهور سلسله پالاوا بوده‌اند. آنها معابد کنده شده در صخره را به فراوانی زیاد در مندپور و ماهابالی پورام، معبد کیلاساناتا منطقه کانچی پورام و معابد پانمالایی بنا نهادند. معبد کیلاساناتا مثالی پرشکوه و جلال از وضعیت سلسله پالاوا در نقاشی و کنده‌کاری‌های سنگی را نشان می‌دهد. یکی از نقاشی‌های معبد پانمالی الهه‌ای را با یک دوتی که طرح‌هایی از گیاهان و گل‌های منطقه دارد، تاج، گردنبندها و کمربندی سنگین را نشان می‌دهد که نماینده گرایشات متداول در پوشاک و جواهرات در دوره پالاوا می‌باشد (پتک، ۱۳۸۹).



تصویر ۴- نمونه‌ای از پوشاک مردان هندی؛ (www.nthropologyandculture.ir)

#### ۱۰. پوشاک دوره چولا (قرن‌های نهم تا سیزدهم میلادی)

در قرن نهم میلادی سلسله چولا با قدرت تمام یعنی زمانی که ویجا لاسایا (۸۷۱-۸۵۰ میلادی) که حکومت خود را بر ناحیه‌ای در حدود منطقه تانجاور بنیاد نهاد، سلطنت می‌کردند. آدیتیا (۹۰۷-۸۷۱ میلادی)، پرن تاکا (۹۵۳-۹۰۷ میلادی)، گندرادیتیا (۹۵۳-۹۵۷ میلادی)، راجا راجا (۱۰۱۶-۹۵۸ میلادی) و راجندر (۱۰۴۴-۱۰۱۲ میلادی) از سازندگان بزرگ معابد بودند. ملکه بیوه گندرادیتیا، سیمبیلان مهادیوی یکی از مهم‌ترین ملکه‌های سلسله چولا بود که از سنت سخاوتمندانه ساخت و وقف معابد حمایت می‌کرد. یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی باقیمانده از دوره چولا معبد راجا راجش واران در تانجاور که معروف به بیریداس وارا نیز هست، می‌باشد. نقاشی‌های معبد بیریدیس وارا یکی از زی‌قیمت‌ترین مدارک هنری در این دوره است. بر روی دیوارهای این معبد سه موسیقیدان الهی نقش شده که دو تن از آنها زن و دیگری مرد می‌باشد. همه آنها لباسی کوتاه با یک کمر بند سنگین و جواهرات رایج آن زمان پوشیده‌اند. زن نوازنده موهایش را بالای سرش در یک گل سر سنگین جمع کرده، درحالی که مردان تاجی مانند آرایش موی زنانه دارند. برنز و سنگ‌های کنده‌کاری شده متعلق به دوره چولا پیچیده‌ترین کنده‌کاری‌های زمان خویش است که به طرز زیبایی تزیین آرایش موی فانتزی و البسه پایین تنه نیز با زینت‌آلات مزین شده‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۵۷: ۱۱۲).

#### ۱۱. پوشاک دوره پیش از مغول (قرن‌های ۱۳ تا ۱۵ میلادی)

از قرن ۱۰ میلادی به بعد، شمال هند در معرض حملات متعدد محمود غزنوی و محمد غوری که بیشتر به منظور از پای درآوردن امپراتوران آن منطقه بود، قرار گرفت. متجاوزان در هند نماندند و به کشور خود با غنیمت‌های فراوان بازگشتند. چندین سلسله مسلمان مسند قدرت را در دهلی اشغال و پیش از مغولان بر آن حکومت کردند. مهم‌ترین آنها مملوک سلطان-ها (۱۲۹۸-۱۱۹۲ میلادی) و خلجی‌ها (۱۳۲۰-۱۲۹۰) و تغلقیان (۱۴۱۴-۱۳۲۰ میلادی)، سعیدی‌ها (۱۴۵۱-۱۴۴۰ میلادی)،

ولودی‌ها (۱۵۲۶-۱۴۵۱ میلادی) بودند. سلطنت دهلی در تاریخ ۱۵۲۶ به پایان رسید، وقتی که *بابر/برهیم‌لودی* پادشاه افغان دهلی را شکست داد و امپراتوری مغول را بنیان نهاد. مغولان با قدرت تمام در زمان سلطنت همایون حکومت خود را تأسیس کردند (۱۵۴۰-۱۵۳۰ و ۱۵۵۶-۱۳۵۵ میلادی). محیط دربار پیش از مغول، سلسله سلطان‌های مسلمانان با شاخص اشتیاق شدید و قوی مذهبی نمایان می‌باشد. این دوره شاهد اختلاط فرهنگ معقول و دقیق -فرهنگ بومی و فرهنگ اسلامی- بوده است. این موضوع بر هنر و فرهنگ در این دوره تأثیر بسیار گذارد، همانطور دو مکتب معاصر هنر آن زمان (مکتب بومی و مکتب فارسی-ایرانی) بر یکدیگر اثر متقابل داشتند (دیماند، ۱۳۶۵: ۱۱۶).

مکتب بومی نقاشی سنتی هندیان را منطقه غرب احاطه کرده، درحالی‌که مکتب اسلامی مستقیماً از سبک ایرانی تأثیر گرفته بود. نقاشی در هر دو مکتب راهنما و شاخصی پربها از پوشاک ممتازی که مردان و زنان این دوره به کار می‌بردند، می‌باشد. نسخ خطی جین‌های مکتب هندی غرب (لورچندا؛ آرنیاک پرو، مندوکالپ سوترا، دیوی مهاتمایا) همچنین اساساً کتب مرجع مذهبی منبع گرانبهای اطلاعات در مورد پوشاک مردم را تشکیل می‌داد. در این نقاشی‌ها مردان با یک کورتا/جامای آستین بلندمانند یک دست لباس کامل نقش شده‌اند که به‌طور متداول و عوام‌پسندانه معروف به «چاکدار جاما» (چاکدار جامه) بوده است، با چاک‌هایی در دو طرف انتهای لباس در چهار نقطه انتهای لبه‌های راست و مستقیم با بندهایی که در طرف چپ و راست آن بسته می‌شده، که همراه با یک «پای‌جاما» و یک «کمربند» نیز بوده. این پوشاک احتمالاً از پارچه‌های نخی درست شده بود، همانطور که آنها به‌صورت شفاف نمایان هستند. تحت سلطه سلطنت جدید سبکی نو از نقاشی و معماری معروف به سبک «سلطنت» ظاهر شد. این سبک تحت تأثیر سه عامل مسلط شکل گرفت: مناطق فرهنگی حامی، ایران، افغانستان و آسیای مرکزی. نتیجه این تلفیق -تفسیر سبک‌های ایرانی از طریق منشور سنت هندی شد. چوگاجاما و پای‌جاما لباس مردان را تشکیل می‌دادند. عرق چین افغانی که با دستار محکم بسته می‌شد، دیگر خصیصه مسلط لباس مردانه بود. زنان در طراحی‌های لباس یا «گاگرا» یک «چولی» محکم بسته‌شده شفاف و «اودانی» شق نشان داده شده‌اند. در کنار نماهای بصری، ادبیات مدارک مهمی برای پوشاک ارائه می‌کند (همان).

## ۱۲. پوشاک دوره سلطنت مغول (قرن‌های ۱۶ تا ۱۹ میلادی)

*ظهیرالدین محمد بابر* (۱۵۳۰-۱۵۲۶ میلادی) که از طرف پدر نواده تیمور از سمرقند در آسیای میانه و از طرف مادر از خاندان چنگیزخان بود، امپراتوری مغول را در سال ۱۵۲۶ میلادی با شکست دادن *برهیم‌لودی* در اولین جنگ در منطقه پانی پت بنیان نهاد. هر کدام از امپراتوران مغول -همایون (۱۵۴۰-۱۵۳۰ و ۱۵۵۶-۱۵۵۵ میلادی)، *اکبر* (۱۶۰۵-۱۵۵۶ میلادی)، جهانگیر (۱۶۲۸-۱۶۰۵ میلادی)، شاه جهان (۱۶۵۸-۱۶۲۸ میلادی)، *اورنگ‌زیب* (۱۷۰۷-۱۶۵۸ میلادی) و دیگر پادشاهان مغول (۱۸۵۷-۱۷۰۷ میلادی)- آثاری ممتاز و برجسته‌ای در تمامی زمینه‌های هنر، فرهنگ و سبک زندگی برجای گذاردند. این دوره از تاریخ هند در زمینه‌های ادبیات، معماری، نقاشی، پوشاک و جواهرات بسیار کامل و برجسته ثبت و ضبط شده است. نقاشی‌های مینیاتور با ارزش بیشماری که امروزه در موزه‌ها یا در دست مجموعه‌داران خصوصی در سراسر دنیا قرار دارد، در دوره مغول انجام شده. این نقاشی‌های مینیاتور هم چنین دریچه‌ای مفید بر زندگی دوره مغول باز کرده است. در این نقاشی‌ها وظایف موقر و شایسته دربار امپراتور و به‌طور واضح و روشن نشان‌دهنده زندگی مردم عادی است. گردشگران خارجی از کشورهای اروپایی که از هند در قرن ۱۶ میلادی به بعد دیدن کرده‌اند، طیف وسیعی از اطلاعات درباره زندگی مردم عادی را در کارها و گزارشات خود برجای گذاشته‌اند (کمپانی، ۱۳۹۷).

پوشاکی که *بابر* و اعضای دربارش می‌پوشیده‌اند، منشاء و ریشه آن در کشور *بابر* بوده، درحالی‌که مردم عادی در دوره سلطنت *بابر*، همانطور که *بابر* در کتاب *بابرنامه* خودش ذکر کرده است، پوشاک بومی خود را ادامه دادند. مردان عادی تکه پارچه پیچیده‌شده به دور خود مانند دوتیمی پوشیدند، درحالی‌که بخش بالاتنه عریان نگه داشته می‌شد. *بابر* نیز به چند نام از البسه اشاره می‌کند، شاید این کلمات ممکن است ترکی، مغولی و یا فارسی باشد، برخی از آنها در زیر فهرست شده: نیمچه (یک نوع تونیک کوتاه)، جاما (جامه) (لباس آستردار)، یک تانیچ جاما (لباس بدون آستر)، چارقب (لباس با گلدوزی‌های طلا)،

پوستین (پوست گوسفند آستردار)، جبه (جبا) یا سورتوت، چفن (کت بلند) و ته‌بند (کمر بند یا بند چرمی). پوشاک دوره سلطنت همایون اغلب مانند دوره بابر بود؛ قبا، جاما، پیرهن، جیلوچا، جبه (جبا) و قصب که چند نام از آنان ذکر شد. تعداد بسیار کمی از نقاشی‌هایی که جزئیات پوشاک از دوره بابر و همایون را نشان می‌دهد، باقی مانده است. در حقیقت، نقاشی‌های مینیاتور که در دوره سلطنت اکبر انجام گرفت، بابر و همایون را معمولاً درحالی که «چوگاها»، کت‌ها، کلاه‌ها، جبه‌ها پوشیده‌اند؛ نشان می‌دهند و زمانی که اکبر دستور به کشیدن نقاشی‌های از بابر و همایون داد، نقاشان آنها را با این البسه نشان دادند. پوشاکی که بابر و پسرش همایون آن را می‌پوشیدند، پوشاک به‌طور گسترده‌ای تحت نفوذ سبک‌های ترکی و مغولی بود، به-تدریج در دوره سلطنت جانشین آنها/اکبر سبک هندی شروع به رشد و نمایان شدن کرد.

تاریخ فرهنگی-اجتماعی دوره سلطنت اکبر در کتاب «آیین اکبری» یکی از بهترین روایات و گزارش‌هایی است که ابوالفضل علامی آن را نوشته؛ همچنین تعدادی از نقاشی‌های مینیاتور که از دوره او باقی مانده و اکنون از مهم‌ترین اجزاء مجموعه‌های هنری مختلف جهان به‌حساب می‌آیند. در بخش ۳۱ از کتاب آیین اکبری در مورد گنجه و انبار برای تشک‌ها ذکری با جزئیات مواد سازنده البسه، نوع و شکل البسه و جالب‌تر از همه اینکه اکبر به اختراع و ابداع کلمات هندی برای البسه عادی و معمول علاقه فراوان داشت: به‌جای «جاما (کت)» از کلمه «سربگتی» که به‌معنی لباسی است که تمام بدن را می‌پوشاند؛ برای «ایزار (زیرشلواری)»، «یار-پیراهن (همراه کت)»؛ برای «نیم‌تنه (ژاکت)»، «تن‌زیب»؛ برای «فوت» کلمه «پت گت»؛ برای «برقع (بورکا) (یک روبنده زنانه)» کلمه «چیتراگوپی‌تا»؛ برای «پتک (لنگ)» کلمه «کت زب»؛ برای «شال» کلمه «پرم نرم»؛ برای «تکوچیا (یک کت بدون آستر به‌سبک هندی)» و دیگر نام‌های مشابه؛ برای کلمه تکوچیا/ابوالفضل علامی می‌گوید: «این لباس قبلاً در دامانش چاک‌هایی وجود داشت و در طرف چپ محکم بسته می‌شد، سرورم دستور داد که این لباس باید با یک دامن گرد همراه باشد و به‌طرف راست محکم بسته شود.» (علامی، ۱۳۷۲).

نقاشی در این دوره آشکارا و به‌طور برجسته پوشاک اتصالی (منظور پوشاکی است که به یکدیگر به انواع مختلف وصل می‌شده‌اند) را در انواع مختلف و متنوع نمایش می‌داد. لباس بیرونی هندوها زیر بغل چپ با بندهایی محکم بسته می‌شد، درحالی‌که مسلمانان این بندها را محکم زیر بغل راست گره می‌زدند. کارهای دیگر ادبی که در زمان سلطنت اکبر انجام شد، ترجمه حماسه‌های ماهابهارت و رامایانا به فارسی و برخی نقاشی‌های ترسیم‌شده از خدایان هندو در «دوتی» لباس بومی هندیان می‌باشد. دیگر از انواع متنوع و برجسته نقاشی دوره سلطنت اکبر یک «جاما»ی بلند است، همانطور که در تصویر تانسیون (موسیقیدان مشهور دربار اکبرشاه) که در موزه ملی دهلی نو قرار دارد، دیده می‌شود. آوازخوان و موسیقیدان مشهور تانسیون یکی از نه گوهر دربار اکبر بود، او لباس‌های رسمی درباری را نمی‌پوشید. در یکی از نقاشی‌هایی که از او باقی مانده، او را در لباسی آستین بلند، سفید، جامای بلند که اغلب به پاهایش می‌رسید، ترسیم کرده‌اند. سبک پتک اکبر، دستار و آنگوسترام، بخشی از این لباس محسوب می‌شد. آنگروسترام از زیر بغل بالای شانه چپ می‌گذشته و دیگر انتهای آن بر جلو می‌افتاد، درحالی‌که دیگر انتهای لباس به پشت انداخته می‌شد. تانسیون باید این لباس را از دربار راجا رام چندرا از منطقه روا آورده باشد، از جایی که او به دربار مغولان آمد. درحالی‌که مد بر طبق سلیقه امپراتور عوض می‌شد، این مسئله همیشه ممکن نیست که تاریخ دقیقی برای معرفی یک لباس نو بیاوریم. این قبیل اطلاعات بسیار کم بدست می‌آید (کمپانی، ۱۳۹۷).



تصویر ۵- نمونه‌هایی از پوشاک مردان هند در زمان سلطنت مغولان؛ (www.nthropologyandculture.ir)

## ۱۳. پوشاک در دوره امپراتوری ویجی نگر (قرن های ۱۴ تا ۱۷ میلادی)

امپراتوری ویجی نگر در قرن ۱۴ میلادی بنیان نهاده شد و قدرت مسلط جنوبی شبه قاره را از آن خود کرد. سبک معماری، مجسمه سازی، کنده کاری و نقاشی ویجی نگر ادامه سنت سلسله چولا و پاندیان بود. یکی از بزرگ ترین فرمانروایان این سلسله کریشنا دیواریا بود. او دانشمند، نقاش، حامی هنرهای زیبا و جنگجو نیز بود. «منداپا (ستون رواق دار)» در معبد ویرابدر در لیکشی، وارداراجا در کانچی پورام، ویتاللا در هامپی و جالاکنیتسور در ویلور مدارکی از حمایت و پشتیبانی او دربردارد. امپراتوری ویجی نگر شاید آخرین دوره باشکوه از تاریخ و فرهنگ هندی بوده است. نقاشی های لیکشی و مجسمه های برنزی و سنگی از دوره ویجی نگر نشان دهنده خدایان با تاج، جواهرات فراوان، البسه پایین تنه ای که بسیار با زینت آلات مزین شده اند و «ساش» می باشند. در سقف معبد ویروپاکشا در هامپی نقاشی هایی وجود دارد که نشان دهنده حرکت دسته جمعی حکیم حماسی و بزرگ ویدیارنایا می باشد، حاملان کجاوه و نگه دارندگان او یکسان و همگون همگیتونیک، دوتی کوتاه، کمر بند و دستار پوشیده اند. حکیم ویدیارنایا استادی روحانی که مسئول بنا کردن امپراتوری ویجی نگر در ابتدایی ترین مراحل بود. زنان با ساری که در جلو چین خورده و انتهای تکه آن زیر بازوی راست و بالای شانه چپ نگه داشته و سپس در جلوی ساری انداخته شده، ترسیم شده اند. آنها زیورآلات معمول را بر خود می انداختند. گردنبند، گوشواره، النگو و حلقه بینی و موهایشان به طور برجسته به شکل کلوچه تصویر شده (دیماند، ۱۳۶۵: ۹۶).

## ۱۴. پوشاک در دوره پس از مغولان (قرن های ۱۸ و ۱۹ میلادی)

پس از فرمانروایان مغول، نواحی سلطنتی قدرتمند و برخی از آنها مستقل شدند. برخی از نواحی سلطنتی مشهور در آن زمان اوده، پنجاب و مرشدآباد بودند؛ درحالی که تعداد دیگری در منطقه راجپوتانا در شمال غرب قرار داشتند. در این دوره برخی از آنها کوشش کردند که در هر ناحیه سلطنتی هویت محلی خود را با روش های مختلف به ویژه در نقاشی های این عصر بدست آورند. ناحیه درباری اوده آسبکی هوشمند را آفرید. برش ها، کاهش، پیچیدن پارچه بر دور خود و ظواهر البسه گسترده- تر و متنوع تر از دربار مغول بود. لباس هایی مانند چولا، آنکارا، جامه، پای جامه، گاگرا، چولی، فرش پای جامه، اودانی و ساری که اشراف و درباریان از اواخر دوره مغول می پوشیدند، در موزه ها و مجموعه در سرتاسر دنیا مانند قصر شهر در شهر جی پور ایالت راجستان، قلعه مهران گر در شهر جودپور ایالت راجستان، موزه ویکتوریا و آلبرت در لندن، موزه ممتاز محل، موزه ملی دهلی نو، موزه سالار جنگ در شهر حیدرآباد و بهارات کالابون در شهر بنارس جای گرفته اند و اینها فقط تعداد کمی از نام هایی بود که می توان ذکر کرد (پتک، ۱۳۸۹).

در اوایل قرن ۱۸ میلادی در دوره سلطنت فرخ سیر (۱۷۱۳-۱۷۱۹ میلادی) و محمدشاه (۱۷۴۸-۱۷۱۹ میلادی) جامه و آنکارا که قبلاً در قرن ۱۷ میلادی در قد و طول بلند شده بود، تا انتهای پا پایین آمد و سبک مشابهی نیز در دربار اوده رایج بود. جاما بلند و کشیده اغلب پا را لمس می کرد. این لباس همچنین با جمع شدگی های فراوان و میان تنه بلند همراه بود. لباس آستین بلند چپکن معمولاً با کار جامه دانی با یک یقه کوتاه و کمر چسبان و با کمی حالت چتری دامن زیرین لباس همچنین در دربار اوده رایج بود. پای جامه گشادتر شد و مردان و زنان هر دو آن را می پوشیدند. جامه، چولا، آنکارا، پای جامه تنگ، دستار و چادار/شال را بیشتر مردان در دربار پنجاب در قرن های ۱۸ و ۱۹ می پوشیدند. چوریدار پای جامه، کورتای کوتاه، جامه و اودانی در این دوره را زنان استفاده و به کار می بردند (همان).

«بغل بندی»، میرجایی و صدری دیگر لباس های رایج بالاتنه بودند که مردان در شمال هند می پوشیدند. کورتا لباسی اضافه شده جدید بود. این لباس شکل تغییر یافته لباس «نیم» یا نیمچه بود. تمرکز بر روی گلدوزی های باشکوه، انتخاب مواد با ذوقی سلیم و هوشمند بود. به علاوه توپی و دوپالی از پارچه ای بسیار نازک و ساده تهیه می شد؛ اما با ظرافت تمام این سادگی

اکنون شهر لکنو در شمال هند<sup>۲</sup>



به پایان می‌رسید و برخی اوقات در مکان‌ها و جاهای فاخر پوشیده می‌شد. آنگارکا یک لباس بیرونی محسوب می‌شد و در دربار راجستان به‌صورت رایج و متداول حتی در قرن ۱۹ میلادی پوشیده می‌شد. آنگارکا محصول بخشی از چپکن بود، با تغییراتی در بالابار، این لباس در بین کارکنان و مستخدمان قلمرو مرتبط با افسران دربار یا کمپانی هند شرقی بسیار رایج شد. در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ میلادی، پیش از اینکه کت در هند رایج شود، اچکن و شیروانی لباسی (یک لباس بیرونی برای بالاتنه که مردان آن را می‌پوشیدند) رایج در مناطق درباری هند بود. شیروانی در دربار حیدرآباد لباسی بود که ترجیحاً پوشیده می‌شد، درحالی‌که اچکن به‌صورت لباسی منتخب در دربار اوده باقی ماند. تحت نفوذ اروپایی‌ها، شیروانی و اچکن را مردان مانند لباسی بالاتنه‌ای به‌کار می‌بردند. این پوشاک تنگ و چسبان در درازای قد متنوع بود. لباسی جلو باز که دارای دگمه‌هایی در جلوی لباس و دارای یقه چینی که بر شانه‌ها افکنده می‌شد با آستین‌های بلند سردست‌دار و در دو طرف دارای جیب بود. پای-جامه لباسی گشاد (به‌صورت رایج معروف به علی‌گری بود) یا تنگ چسبان (مشهور به چوری‌دار) را مردان و زنان عموماً می‌پوشیدند. در این دوره جدا از فرشی پای‌جاما، زنان شمال هند البسه سنگین و گلدوزی‌شده‌ای به‌نام اودانی، گاگرا، چولی بر تن می‌کردند. همه این البسه دارای گلدوزی‌های سنگین زربفت، گلدوزی-زری یا پولک و نقده‌دوزی‌های چاپی بودند. انواع متنوع پارچه‌های لباسی از خارج وارد هند شد و به‌زودی در میان گروه‌های طبقه اشراف رایج گشت. درحالی‌که امروزه مردم شهرنشین شلوار، پیراهن، تی‌شرت، جین و دیگر لباس‌های غربی را می‌پوشند، در موقعیت‌های ویژه آنها هنوز ترجیح می‌دهند که شیروانی، چوری‌دار پای‌جاما یا کورتا پای‌جاما بر تن کنند. شلوار کمیس (قمیس)، اودانی، ساری، بلوز کوتاهی که با ساری پوشیده می‌شود، زیردامنی ساری، گاگرا، چولی لباس سنتی زنان هندی می‌باشند. در مناطق روستایی مردان هنوز از دوتی، کورتا، کمیس (قمیس در عربی) بلند و دستار استفاده می‌کنند، درحالی‌که زنان به پوشیدن البسه سنتی خود ادامه می‌دهند (کونل، ۱۳۴۷: ۸۱).

## ۱۵. نتیجه‌گیری

پوشاک هندی که ما اکنون شاهد آن هستیم، نتیجه چهار هزار سال تاریخ مهم سیاسی، اقتصادی، انقلابات فرهنگی و اجتماعی و تأثیر و تحول آنها بر یکدیگر می‌باشد. در نتیجه پوشاک که شکل جدایی‌ناپذیر و کاملی از هر بخش تاریخی در فرهنگ مسلط بر هند به حساب می‌آید، همچنین دستخوش تحولات قاطع و بزرگ نیز شده است. در عصری که بیشتر کشورهای دنیا در حال غربی کردن جوامع خود و جهان‌شدنی هستند، هند موفق شده تا با استفاده از لباس‌های سنتی مردمش، فرهنگ غنی خود را حفظ خود. لباس‌ها و پوشاکی که هندی‌ها استفاده می‌کنند، بسیار گسترده و گوناگون است؛ به طوری که برای هر مراسمی، لباس مختص آن را بر تن می‌کنند. لباس‌هایی که در هند مورد استفاده است، طی زمان به تکامل رسیده‌اند. در نهایت با نگاه و مطالعه عمیق در تاریخ هند این نتیجه حاصل شد که همواره اتفاقات مهم سیاسی تاریخی بر شکل فرم، طرح و نقش پوشاک تأثیر نهاده است.



## منابع و مراجع

۱. ارشاد، فرهنگ (۱۳۶۵). *مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲. بیاتی، لیلا (۱۳۹۰). *نگاهی به روابط تجاری ایران با هندوستان و بررسی وضعیت صنعت نساجی و پوشاک کشور هندوستان*. تهران: دفتر مطالعات آماری و راهبردی صنعت نساجی (انجمن صنایع نساجی ایران).
۳. بی نا (۱۳۴۳). «ایران شهر». جلد دوم، نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
۴. پاپی، مریم (۱۳۹۰). «تلاش هندی برای نجات ساری». *روزنامه اینترنتی جام جم* ([www.jamejamonline.ir](http://www.jamejamonline.ir)).
۵. پتک، آنمیکا (۱۳۸۹). *تاریخ لباس در هند*. ترجمه: نسیم کمپانی. تهران: نشر بادبان.
۶. دیماند، س. م. (۱۳۶۵). *راهنمای صنایع اسلامی*. ترجمه: عبدالله فریار. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. شاکری، نزهت (۱۳۷۸). «لباس مسلمانان در شبه‌قاره هند». *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۷ و ۱۸، بهمن و اسفند، ۴۴-۴۷.
۸. طالب‌پور، فریده (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی منسوجات هندی گورکانی با پارچه‌های صفوی». *فصلنامه نگره*، شماره ۱۷، بهار، ۲۹-۱۵.
۹. علامی، ابوالفضل بن مبارک (۱۱۵۳). *آیین اکبری (اکبرنامه)*. بی جا.
۱۰. علامی، ابوالفضل بن مبارک (۱۳۷۲). *آیین اکبری (اکبرنامه)*. جلد اول. غلامرضا طباطبایی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۱. کمپانی، نسیم (۱۳۹۷). «پوشاک هندی». *مجله آنلاین انسان‌شناسی و فرهنگ*.
۱۲. کونل، ارنست (۱۳۴۷). *هنر اسلامی*. ترجمه: هوشنگ طاهری. تهران: مشعل آزادی.
۱۳. مهدی‌زاده، جواد (۱۳۵۷). *هند دیگر*. تهران: انتشارات علم.
۱۴. نهرو، جواهر لعل (۱۳۵۰). *کشف هند*. ترجمه: محمود تفضلی. جلد دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. هالاید، مادلین، و گوتس، هرمان (۱۳۷۶). *هنر هند و ایرانی-هند و اسلامی*. ترجمه: یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.